

## نگاهی انتقادی پیرامون شرایط و امکانات افراد دارای آسیب بینایی در ایران:

معصومه سلطانی.

### دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران.

در عصر کنونی چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی، شاهد هستیم که روزهای معینی را بنا بر مناسبت‌های خاصی نام‌گذاری می‌کنند. در این میان برخی از این روزها در قیاس با برخی دیگر نزد اکثر مردم ناشناخته باقی مانده است و تنها افرادی از آن آگاه هستند که به گونه‌ای با آن مناسبت مرتبط باشند. نمونه‌ی بارز مطلب فوق، روز عصای سفید است. روزی که نه تنها نزد عموم مردم عزیز ایران ناشناخته است، بلکه با کمال تاسف برخی از مسوولان مربوطه نیز نسبت به آن آگاهی محدودی دارند، یا اساساً ناآگاه هستند.

تعجبی ندارد اگر پیرامون تاکید من در رابطه با چنین روزی پرسش شود. به نظر من چنین روزی به مثابه یک نشانه است. نشانه‌ای که اگر به دست فراموشی سپرده شود، می‌تواند دلالت‌گر فراموشی تدریجی این گروه در جامعه باشد. از سوی دیگر چنین روزی می‌تواند مبدایی برای طرح مسائل و الزاماتی باشد که این گروه با بهره‌گیری از آن قادر خواهند بود زندگی خود را با سهولت و استقلال بیشتری اداره کنند. البته ذکر این مطلب خالی از لطف نخواهد بود که، اصولاً طرح چنین مسائلی از یک فرد ساخته نیست. بلکه نیازمند انسجام، اتحاد و همکاری در جهت نیل به اهداف است. اما در زمانی که چنین امری میسر نیست طرح چنین مبحثی در این روز خالی از لطف نخواهد بود. حد اقل فایده‌ای که از آن انتظار می‌رود، آگاهی‌بخشی اجتماعی است.

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (در بعد ملی) و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (در بعد بین المللی)، همه‌ی انسان‌ها به دلیل انسان بودن دارای حق زندگی بوده و از حقوق برابر برخوردار می‌باشند. حال آنکه در عالم واقع گروهی از افراد هستند که به دلیل شرایط وراثتی یا اکتسابی در وضعیتی متفاوت با دیگر آحاد جامعه قرار گرفته‌اند. به این ترتیب دولت می‌بایست با بهره‌گیری از امکانات و حمایت‌های مادی و حقوقی\_قانونی بستر مناسب را برای برابری همه‌ی شهروندان جامعه فراهم نماید. اقدامی که پیش از این برخی از دولت‌ها آن را در دستور کار قرار داده و به موفقیت‌های چشمگیری نیز در کشورهای خود نائل شده‌اند.

امروزه شمار افراد دارای آسیب بینایی که تحصیلات تکمیلی را گذرانده‌اند، یا مشغول به تحصیل هستند، در مقایسه با چند دهه‌ی پیش افزایش یافته است. چنین مطلبی می‌تواند گواه بر این ادعا باشد که در صورت فراهم بودن امکانات آموزشی چنین افرادی قادر به پیمودن مدارج عالی علمی نیز خواهند بود. اما امکانات مورد نیاز همچون فراهم نمودن فایل صوتی کتب، تنها به طور منسجم از سوی دانشگاه تهران و در قالب پراکنده از سوی برخی دیگر از دانشگاه‌ها و برخی از موسسات پیگیری و اجرا می‌گردد. در این میان فقدان یک بانک

اطلاعاتی منسجم که به سهولت دسترسی کمک کند و از دوباره‌کاری‌ها و پرداخت هزینه‌های بیشتر ممانعت نماید، احساس می‌شود. در کنار چنین معضلاتی خلاء فایل‌های صوتی و امکانات لازم برای تحصیل در پاره‌ای از رشته‌ها باعث شده تا افراد نابینا و کم‌بینا بعضاً از علایق خود صرف نظر نمایند.

مسالهی استفاده از فضاها و امکانات شهری، مقوله‌ی دیگری است که افراد نابینا و کم‌بینا را با معضلات جدی مواجه نموده است. بخش عمده‌ای از وسایل حمل و نقل عمومی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که چنین افرادی در استفاده از آن با مشکلاتی مواجه می‌گردند. به علاوه عوامل مختلفی سبب شده است که در پاره‌ای موارد استفاده از فضاهای شهری با مشکلات و آسیب‌هایی نیز همراه باشد.

خلاء حقوقی قانونی نیز معضل دیگری است که در مواردی مشاهده می‌گردد. این در حالی است که در پاره‌ای از کشورها چنین خلاءهای مانع‌ساز مرتفع گشته و در اوضاع و شرایط متفاوت موسسات مختلف با آنها بر اساس قوانین موجود همکاری لازم را دارند.

به علاوه برخی از نهادها و موسسات دولتی یا مردم‌نهاد در ایران به نام حمایت از افراد دارای آسیب بینایی مبادرت به دریافت بودجه از دولت می‌نمایند. این امر در حالی صورت می‌گیرد که به دلیل فقدان ساز و کار اطلاع‌رسانی صحیح و کارآمد، نه بخش عمده‌ای از این گروه هدف از وجود چنین موسساتی مطلع هستند، نه از کارویژه‌های آنها به درستی با خبر هستند و نه ساز و کار سودمندی تعبیه شده است تا چنین افرادی با سهولت بتوانند تخلفات را اعلام نموده و نسبت به طرح انتقاد و شکایت اقدام نمایند. طبیعتاً در چنین بستری احتمال فساد مالی دور از ذهن نخواهد بود.

در این وضعیت راهکارهایی را می‌توان پیشنهاد نمود. اگرچه چنین راهکارهایی مطالعات و بررسی‌های بیشتری را می‌طلبد، اما به عنوان تلاشی برای حل مشکلات موجود و بهبود وضع موجود می‌تواند سودمند باشد.

در مورد نخست تهیه‌ی یک بانک اطلاعاتی فراگیر که بتواند همه‌ی موسساتی را که در تهیه‌ی کتب گویا مشارکت دارند، البته به شرط حفظ استقلال نسبی آنان تحت پوشش داشته باشد، سودمند خواهد بود. در چنین شرایطی این موسسات می‌توانند با حفظ حقوق مالکیت فکری خود بر آثارشان داده‌های خود را به آن بانک اطلاعاتی بسپارند. این امر به کاربران کمک می‌کند تا با سهولت بیشتر به این کتب صوتی دسترسی داشته باشند. به علاوه این بانک داده، این امکان را برای دیگر موسسات فراهم می‌آورد تا با فهرست به‌روز شده‌ی کتب سر و کار داشته باشند و مانع دوباره‌کاری و صرف هزینه بیشتر نیز می‌گردد. در عین حال با گنجاندن مکانیزم‌های تشویقی و تنبیهی نیز تا حدی می‌توان به ارتقا کیفیت این کتب یاری رساند.

در رابطه با نحوه‌ی مناسب‌سازی فضاهای شهری و سهولت استفاده از وسایل نقلیه‌ی عمومی از سویی به تحقیقات و پژوهش‌هایی نیاز است که با هدف آسیب‌شناسی وضع موجود و با بهره‌گیری از تجارب کشورهای که در این زمینه صاحب تخصص و تجارب موفق هستند، به بهبود قابلیت‌های شهری برای افراد با آسیب بینایی کمک کنند. البته لازم به یادآوری است که پژوهش‌ها و اقدامات سودمند و البته ناکافی نیز صورت گرفته است. برای نمونه در سال ۱۳۹۳ دانشگاه تهران شاهد دفاع از پایان‌نامه‌ای با همین محتوا بوده است. با این وجود آنچه که در سطح شهر مشاهده می‌شود، با وضعیت مطلوب فاصله‌ی زیادی دارد. از سوی دیگر، مناسب‌سازی فضاهای شهری و بهبود معابر شهری و ارتقای کیفیت وسایل حمل و نقل عمومی، به گونه‌ای که افراد دارای آسیب بینایی با سهولت بیشتر قادر به استفاده از آن باشند، مستلزم مشارکت و همکاری دولت و نهادهای عمومی غیر دولتی و نیز جلب مشارکت بخش خصوصی است.

در مورد مقوله‌ی سوم، یعنی خلاء قانونی، به قوانینی نیاز است که در راستای افزایش توانمندسازی این افراد و افزایش استقلال آنها حمایت‌های لازم را به عمل آورد. برای نمونه در بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری در پاره‌ای موارد موانعی وجود دارد که ارائه‌ی خدمات بانکی به چنین افرادی را با مشکلاتی رو به‌رو می‌سازد. این مشکل در موارد دیگری نیز مشاهده شده است که برای پرهیز از اطاله‌ی کلام از ذکر آنها خودداری می‌گردد.

در نهایت شفافیت و پاسخگویی کلیه نهادها و موسساتی که با هدف خدمت به معلولان و به ویژه افراد دارای آسیب بینایی از دولت بودجه دریافت می‌کنند، می‌تواند تا حدی به حل معضلات در این زمینه یاری رساند. بدیهی است که موسساتی که تنها با هدف مساعدت و ارائه خدمت به چنین اقشاری شکل گرفته‌اند، در صورتی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند که کارویژه‌ی خود را به بهترین نحو و با کمترین هزینه انجام دهند. حال آنکه موسسه‌ای که در تامین نیازهای معقول چنین افرادی موفق نیست، دلیلی برای دریافت نمودن بودجه ندارد. در عین حال لازم است تا حیطه‌ی وظایف و اختیارات این موسسات روشن شده و به کاربران اطلاع‌رسانی گردد تا به این وسیله از طرح تقاضاهای نسنجیده و نامعقول جلوگیری گردد. مراجعه به گروه هدف و شنیدن سخنان، پیشنهادات و انتقادات آنها می‌تواند سهم غیرقابل انکاری در ارزیابی نحوه‌ی عملکرد این موسسات داشته باشد. به علاوه تشکیل هیاتی از میان چنین افرادی که از تخصص و دانش کافی نیز برخوردار باشند و در اداره‌ی این موسسات سهیم باشند راهکاری است که می‌تواند در بلند مدت تحقق‌پذیر باشد. در نهایت فراهم نمودن مکانیزمی که از طریق آن منتقدان و معترضان بتوانند با سهولت و بدون نگرانی به طرح شکایت‌های خود بپردازند و از پیگیری آن شکایت‌ها مطمئن باشند، نقش مهمی در اعتمادسازی میان گروه هدف و این موسسات ایفا خواهد کرد...